

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سیامک

۱۷ جون ۲۰۱۶

## تطهیر ساواک با خاطره نویسی برای یک ساواکی

اخیراً جناب مصداقی به انتشار مصاحبه ای با یک ساواکی جنایتکار به نام "پرویز معتمد" مبادرت نموده که تاکنون چند شماره از آن منتشر شده است. اولین شماره این مصاحبه ها به جنگ و گریز رفیق کبیر حمید اشرف اختصاص دارد. خود مصداقی در توضیحی که برای این مصاحبه نوشته تأکید کرده که این "گفتگو در نومبر ۲۰۱۳ در پاریس انجام شده است". یعنی این مصاحبه حدود سه سال پیش انجام شده اما روشن نیست که چرا ایشان حالا (۲۰۱۶) به فکر انتشارش افتاده است و چرا چند سال انتشار این مطلب که از نظر خودش حاوی اطلاعات با ارزشی است را به تأخیر انداخته است.

همچنین قابل تأمل است که چرا در شرایطی که یک دوجین مزدور سلطنت طلب (مثل علیرضا نوری زاده ، میبیدی، شهرام همایون، خسرو فروهر و فردی مثل عرفان قانعی فرد که هم از آخور سلطنت طلب ها تغذیه می کند و هم از آخور جمهوری اسلامی) صبح تا شب منتظراند که مشتری پیدا کنند و کلی از رژیم گذشته و یا به قولی کفن دزد اولی تعریف و تمجید کنند، ساواکی مورد نظر به مصداقی روی آورده است. تا آنجا که مدعی شده "من دو سال، شب و روز از آقای مصداقی درخواست کمک می‌کردم که خاطرات من را منتشر کنند. سال ۲۰۱۳ که درخواستم را پذیرفت بهترین روز زندگی‌ام بود." این سخنان در شرایطی زده شده که ساواکی مورد نظر تاکنون بارها مصاحبه‌هایی با تلویزیونها و رادیوهای مختلف داشته و در چهارچوب همین مسائل خاطره گوئی کرده است. بنابراین باید اندیشید که چرا چنین مصاحبه ای با مصداقی چنین ارزشی برای وی دارد که "بهترین روز زندگی" ساواکی جنایتکار مزبور را تشکیل داده. و حال همنشین ساواکی فوق الذکر به خاطر دفاع از این همنشینی مشتمز کننده به عربده کشی روی آورده است. عربده کشی که طی آن همه مرزهای شرم و حیاء را درنوردیده است؟

یکی از عربده کشی های هیستریک همنشین ساواکی، دروغ گوئی علیه کتاب حماسه مقاومت می باشد که در واقع نسلی از انقلابیون ایران را آموزش داده است. اما مصداقی بدون این که ذره ای خجالت بکشد به تخطئه حماسه مقاومت می پردازد. او حتی نمی فهمد که رفیق اشرف دهقانی در زمان نوشتن کتاب "حماسه مقاومت" در داخل ایران بوده و در سال ۱۳۵۲ یعنی سال انتشار این کتاب از نظر امنیتی نمی توانسته در کتاب "حماسه مقاومت" تمامی جزئیات فرار از زندان و نام بعضی افراد درگیر در این فرار را بیاورد، لذا اطلاعاتی که ممکن بود باعث ضربه زدن به فرد یا تشکیلاتی بشود در آن کتاب طرح نشده است و بدرستی هم گفته نشده است. اما می دانیم که بعد از دوران ساواک و

گذران سالها مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی در ایران در یک فرصت در خارج از کشور چگونگی فرار خود از زندان قصر را در کتاب "بذرهای ماندگار" تشریح کرد. مصداقی حتی کتاب بذرهای ماندگار را خوانده است تا متوجه شود که مجاهد زنده یاد **معصومه شادمانی** اصلاً در فرار رفیق اشرف دخالتی نداشته است. در این کتاب رفیق اشرف هم از هواداران مجاهدین که در فرار از زندان به او کمک کرده بودند و هم از حسین خراسانی که پس از فرار وی از زندان به یاری وی شتافته بود تقدیر کرده و از مجاهدینی چون **صدیقه رضائی، رضا رضائی و معصومه شادمانی** یاد کرده است. این واقعیت را هر کسی با این دروغ بیشرمانه مصداقی که می گوید اشرف دهقانی در کتابش هیچ اشاره ای به معصومه شادمانی و کمک کردن مجاهدین نکرده است مقایسه کند بدون شک همراه با من خواهد گفت که واقعاً جناب مصداقی شرمت باد!!

جناب مصداقی علی رغم ادعای تاپ بودن در حافظه فراموش کرده که پیش از او نیز در رابطه با رفیق اشرف دهقانی، مزدوری مثل **علیرضا نوری زاده** دروغ هائی سرهم کرده بود. این مردک یکبار مدعی شده بود که در جمعی و یا مجلسی، اشرف دهقانی را دیده، و اشرف دهقانی به او گفته که بخش زیادی از مطالب کتاب حماسه مقاومت واقعیت ندارد. بدون این که این مردک خائن و نوکر عربستان روشن کند در کدام مجلس؟ بدون این که بتواند ثابت کند که اصلاً این مزدور، رفیق اشرف دهقانی را واقعاً دیده و یا می شناسد. چون رفیق اشرف دروغ نوری زاده را افشاء کرد و گفت که اصلاً نوری زاده را در هیچ مجلسی ندیده و اصلاً در هیچ کجای این کره خاکی با وی هم صحبت نشده. اما همانگونه که دروغ های نوری زاده و بعد ها **پرویز ثابتی** جهت نادرست نشان دادن حماسه مقاومت فاقد ارزش بود تلاش های مصداقی نیز نتیجه ای جز این نصیبش نخواهد ساخت. برخورد او تنها نشان می دهد که وی در ادامه تلاش های مذبحخانه چه کسانی قدم بر می دارد.

یکی دیگر از عربده کشی های جناب مصداقی این است که مدعی شده که: اشرف دهقانی راجع به مرگ صمد بهرنگی گفته، فردی که همراه صمد بوده یعنی حمزه فراهتی قاتل اوست؟ در حالی که اتفاقاً رفیق اشرف دهقانی در روی جلد کتاب چنین نوشته "راز" مرگ صمد..؟! (چگونه ارتجاع مرگ مشکوک صمد را دستاویز حمله به یاران او قرار داده). اتفاقاً رفیق اشرف در این کتاب همه فاکت ها را مورد بررسی قرار داده و آنها را در اختیار خواننده قرار می دهد تا خواننده خود بتواند در مورد "راز" مرگ صمد ببیند. این هم دروغی دیگر از جناب مصداقی همنشین و وکیل مدافع ساواکی جنایتکار است!

رفیق اشرف دهقانی در کتاب خود راز "مرگ مشکوک صمد" نوشته که در ضمن این را تنها رفیق اشرف دهقان نمی گوید، مادر صمد بهرنگی و برادر صمد بهرنگی "اسد بهرنگی" و حتی ژاندارمری و افراد دیگری که جسد را دیده بودند گفته اند! جالب است که بعد از پیدا کردن جسد رفیق صمد بهرنگی توسط اسد بهرنگی و کاظم سعادت، این حمزه فراهتی بود که غیبش زده و حتی خبر واقعه رابه خانواده صمد اطلاع نداده است. کلاً هم در صحبت هایش کلی تناقض هست که اگر مدارک می خواهید رجوع کنید به اسناد و گفته های افراد مختلف در کتاب "راز مرگ صمد" نوشته رفیق اشرف دهقانی.

در ادامه همان عربده کشی لمپن مابانه ایرج مصداقی که خودش آن را در سایتش درج کرده می گوید "اشرف دهقانی در لندن زندگی می کند" و "چهره خودش و عکس اش را نشان نمی دهد". جدا از این که این امر چه ربطی به مصداقی دارد. اما این حرف او نیز دروغ بزرگ دیگری است. اولاً رفیق اشرف دهقانی چند سال پیش در کانادا، در برنامه گرامی داشت قیام بهمن و رستاخیز سیاهکل سخنرانی داشت! و مردم با حضور پر شورشان در این مراسم استقبال گرمی هم از رفیق اشرف دهقانی داشتند، و حتی تعدادی از حاضران که او را برای اولین بار می دیدند از شوق چنین

دیداری اشک می ریختند. ثانیاً چند سال پیش در گرامیداشت و یا تقدیر از رفیق مادر، فاطمه سعیدی (مادر شایگان) در هانوفر المان، رفیق اشرف دهقانی روی سن رفت و برای تجلیل از مادر شایگان سخنرانی کرد! جمعیت زیادی هم که در سالن بودند از جمله خود من، به پاس احترام و قدردانی از رفیق انقلابی و کمونیست، اشرف دهقانی، به پا خاسته و با ابراز احترامی گرم از رفیق با شعار "درود بر فدائی" استقبال کردند! بنابراین یا مصداقی کور است و نمی ببیند و یا ریگی در کفش دارد و با این دروغ ها قصد دارد کار کثیف خود در خاطره نویسی برای یک ساواکی بی همه چیز را به حاشیه براند. البته از کسی که با ساواکی جنایتکاری چون "پرویز معتمد" حشر و نشر داشته و بیش‌رمانه از وی دفاع می کند، از کسی که برای یک جلاذ "بهترین روز زندگی" تهیه کرده انتظاری بیش از این نمی شود داشت!!

جناب مصداقی شما یا نمی فهمی و یا شعورت بیش از این نیست که بیشتر از نوک دماغ خودت را ببینی به همین خاطر هم در عربده کشی هایت می گوئی: اشرف دهقانی رفته در انگلیس کشور امپریالیست ها. چرا رفت آنجا؟ اولاً اگر شما شعور داشتید می دانستید بحث امپریالیسم و امپریالیست ها در مورد دولت های حاکم سرمایه داری است (نه این که افراد و مردم یک کشور). مردم انگلیس همانند خیلی از کشور های اروپا با مبارزات خودشان در طول تاریخشان دست آوردهای انقلابی بزرگی به دست آورده اند که حق پناهندگی یکی از آنهاست. آنها این امر را با مبارزات خودشان بر دولت ها تحمیل کرده اند. اتفاقاً یکی از سر منشاء های چنین دستاوردهائی هم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر به رهبری لنین بود. امری که به مردم این کشورها یاد داد چگونه برای خواسته های انقلابی خود مبارزه کنند و چگونه مطالبات خود را به دلیل توازن قوای جدید در جهان به دولت های بورژوائی تحمیل کنند. ثانیاً استفاده از حق پناهندگی حق هر انسانی است که به دلیل سرکوب و کشتار دیکتاتوری حاکم مجبور به ترک کشورش شده و عربده کشی علیه هر فردی در این رابطه صرفاً به معنای هم صدائی با فاشیستها و نژاد پرستان می باشد. ثالثاً مصداقی مرتب و به روال معمول اطلاعاتی های ساواک و ساواما، می گوید اشرف دهقانی در انگلیس و لندن است، معلوم نیست چرا او دنبال آدرس خانه رفیق اشرف دهقانی می گردد؟؟ حتماً کمال همنشینی با ساواکی که یکی از شغل هایش شرکت در تیم های تعقیب و مراقبت ساواک شاه بود در او هم اثر کرده! از قرار چون جناب ساواکی در زمان شاه موفق به دستگیری رفیق اشرف دهقانی نشده، حال قصد دارد وظیفه ناتمام را به این طریق تمام کند. البته با دادن چنین رهنمود هائی به همنشین خاطر نویسی. آیا واقعاً مصداقی نمی داند که به نحوی به ساواکی رفیقش کمک می کند! شرمت باد!!

رابعاً، این جناب مصداقی شعور ندارد که ببیند و بخواند که رفیق اشرف دهقانی علی رغم زندگی در غرب در مقاله ها و نوشته هایش کوچکترین کوتاهی در نقد سرمایه داری و کشورهای امپریالیستی نکرده و نمی کند؟ و مثل کسانی نیست که چون به غرب پناهنده شده اند عدم دفاع از سیاستهای امپریالیستی را نوعی نمک نشناسی می دانند!

اتفاقاً جمهوری اسلامی حاصل سیاستهای همین امپریالیستهاست. آنها وقتی دیدند که رسالت حکومت شاه در سرکوب مبارزات توده ها و پیشبرد خطوط آنها تمام شده و طبق فرمول امپریالیست ها می باید حکومت مورد نظرشان در ایران با ایدئولوژی مذهبی جایگزین حکومت سلطنتی شود، ابتداء خمینی و دارودسته مرتجع و مزدورشان را به عنوان آلترناتیو به وسیله رادیو بی بی سی، اسرائیل و... روی آنتن ها بردند و سپس در کنفرانس "گوادالپ" تکلیف حکومت شاه را تعیین کردند و شرایط روی کار آمدن خمینی را مهیا کردند. خمینی که قبلاً به آنها تضمین داده بود که ارتش دست نخورده باقی بماند و در صدور نفت اشکالی پیش نیاید و از همه مهمتر سرکوب کمونیست ها و نیروهای انقلابی و انقلاب توده ها انجام شود. به این ترتیب حکومت وابسته به امپریالیسم پهلوی و شخص شاه، با دستور امریکا، انگلیس،

فرانسه و المان در کنفرانس " گوادالپ" جایش را به جمهوری اسلامی داد. البته این سیاست امپریالیست ها نه تنها در ایران ، بلکه به تدریج در افغانستان عراق و ... هم ادامه پیدا کرد.

اما جناب مصداقی هم نشان داده که کلمه امپریالیست زیاد به دلش نمی نشیند همانند این شاه الهی ها و پرو امپریالیستها با دارودسته های رنگارنگشان که گاه حتی منکر وجود امپریالیسم می شوند. و از این رو هر موقع در بحث ، مقاله و یا متنی اسم امپریالیست ها می آید داغ می کنند.

جالب است مصداقی در حالی که دم از مبارزه و افشای جمهوری اسلامی می زند، ولی با ساواکی جنایت کاری که آدم کش و شکنجه گر بوده خلوت می کند؟ و از نقد و افشای این ساواکی درش می گیرد؟؟! و همصدا با پرویز معتمد این مزدور دروغگو می گوید: فقط کارش تعقیب و مراقبت بوده است. اما پرویز معتمد یک جایی از دستش در می رود و می گوید فردی را دستگیر کردیم و در محل ساواک یا زندان، از توی پیراهنش داخل یک تکه پارچه سیانورس را پیدا کردیم! بعد می گوید از فرد دستگیر شده پرسیدم این چی هست (منظور قرص سیانور) بعد فرد دستگیر شده می گوید من این قرص را برای شکم درد می خورم. ساواکی مزبور هم قرص را می دهد دست زندانی اما تا او می خواهد قرص را در دهانش بگذارد قرص را از دستش می گیرد. بعد پرویز معتمد ساواکی با وقاحت تمام می گوید با اشاره به انگشت شست دستش ، رو به فرد دستگیر شده گفتم بیا فلان فلان شده خیال می کنی ما نمی دانیم این قرص سیانور است. خوب این اتفاقات که در جریان تعقیب و مراقبت نیفتاده است. پس آقای مصداقی رفیق شما آنطور هم که خود شما و او ادعا می کنید کارش صرفاً تعقیب و مراقبت نبوده است. از سوی دیگر کسی که مدعی است با تهرانی شکنجه گر ساواک رفته سیاهکل مگر آن موقع هم جز تیم تعقیب و مراقبت بوده؟ جالب اینجاست که در برنامه پرکار بی بی سی ، در بحثی که ساواکی جنایتکار " احمد فراستی" همراه به اصطلاح پژوهشگر "بی طرف" و دروغگوی مزدور جمهوری اسلامی و سلطنت طلبها " عرفان قانعی فرد " با مصطفی مدنی و شاهشوندی داشت ، مرتب از حقوق بشر و این که در حکومت شاه شکنجه نبود و ... حرف می زد. اما در همان حال با وقاحت تمام می گفت ما به خاطر این که بتوانیم جای بمب دوم را پیدا کنیم ، فقط شلاق می زدیم؟؟!! واقعاً شرمندان باد!! فعلاً به این نمی پردازم که اساساً نشستن در کنار یک جنایتکار و بگو و بخند با او جز مخدوش کردن صف مردم معنای دیگری ندارد.

در خاتمه به این نکته هم باید اشاره کنم که این ساواکی دوست جناب مصداقی خودش می گوید که در پاریس به سفارت جمهوری اسلامی رفته و به دنبال رفع و رجوع مسائل اداری برای خانه ای که در ایران داشته و همچنین برای وصول حقوق دوران بازنشستگی اش بوده است. بعد هم باز خودش می گوید که در سفارت جمهوری اسلامی ، اطلاعاتی های رژیم با او تماس گرفتند و می خواستند با سران ساواک فراری و از جمله پرویز ثابتی ارتباط بگیرند و از طریق آنها با امریکا. البته وجود چنین تماسی جای تعجب ندارد. با توجه به اطلاعاتی که عناصر ساواکی و شخص پرویز ثابتی از مبارزان دوران شاه و فعالیت های آن دوره دارند ، به درد مزدوران جمهوری اسلامی می خورند، و چون مزدور است برایش فرق نمی کند که برای جمهوری اسلامی کار کند یا برای حکومت پهلوی ... در نتیجه باید در نظر داشت که پرویز معتمد در حالی که مأمور ساواک بوده در سفارت جمهوری اسلامی هم با مأموران وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در تماس بوده و خواستن اجرای برخی پروژه ها از وی نیز در این رابطه بوده است.

همین مطلب آخر که مربوط به اعتراف معتمد ساواکی با مأموران امنیتی سفارت جمهوری اسلامی در پاریس می باشد نشان می دهد که در اینجا پای یک پروژه امنیتی در میان است و آنها مصداقی را برای پروژه خود علیه جنبش انقلابی مناسب تشخیص داده اند.

سیامک

۱۲ یونی (جون) ۲۰۱۶

یادداشت:

نقل های قول در متن، ویراستاری نشده است.

اداره پورتال AA-AA